

طرح حزب‌التجرب برای برپایی خلافت  
راشده، صرفاً یک دیدگاه نظری نیست،  
بلکه طرحی تمدنی جامع و مبتنی بر وحی  
است که بدلی برای تمدن مادی غرب  
ارائه می‌دهد؛ تمدنی که ناتوانی خود  
را در ایجاد سعادت و نجات حقیقی انسان  
نابت کرده است. این طرح در عین حال،  
برنامه‌های عملی و آماده اجراست؛ مشروط  
بر آنکه اراده سیاسی در میان امت شکل  
گیرد و نیروها و ارتش‌های آن برای  
تحققش به حرکت درآیند.



روزنامه سیاسی هفتگی

در این شماره می خوانید :

- از نیل تا سمن نبرد یک امت، نه نبرد یک رژیم...۲۰۰۰
- سوره جدید و جنگ علیه اسلام سیاسی...۲۰۰۰
- میان طلا و دلار...۲۰۰۰
- رویدادهای غزه و سوره، پرده از توهم برداشت و حقیقت را آشکار ساخت...۴۰۰۰
- موج خشم در مراکش؛ از آرایش نژاد تا چشم‌انداز تغییر...۴۰۰۰

مقاله برگزیده

فصل تازه‌ای از توطئه علیه غزه

شیخ یوسف مغازه - ولایت مبارک فلسطین

آیا کمیته چهار جانبه آخرین ایستگاه در جنگ سودان است؟

استاد ابرهیم عثمان (ابولخیل)



در روز شنبه ۲۵ اکتبر ۲۰۱۵، «مسعد بولس» مشاور روشن نیست. ارشد رئیس‌جمهور آمریکا در امور عربی و آفریقایی از سخنان بولس و نیز از محتوای بیانیه کمیته اعلام کرد که کشورهای عضو چهارجانبه دربارۀ چهارجانبه در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۵ برمی‌آید که آمریکا سودان، بر تشکیل کمیته‌های مشترک برای هماهنگی در هنوز به پایان واقعی جنگ و توقف کامل درگیری‌ها زمینه اولویت‌های فوری این کشور توافقی کرده‌اند. او در نرسیده است. آنچه مطرح می‌شود بیشتر نوعی پسندی در پلنفرم «ایکس» نوشت که نتایج روز جمعه آتش‌بس موقت سه‌ماهه است. مشابه همان در واشنگتن با حضور نمایندگان مصر، عربستان و امارات توافقی‌های ناپایدار آغازین در «جده» در سال برگزار شده و موضوع آن، بررسی راه‌های توقف مداخلات ۲۰۱۳. در بیانیه اخیر نیز سخن از پایان جنگ در خارجی در بحران سودان و پیشبرد روند گذار به حکومت میان نیست، بلکه تمرکز آن بر آتش‌بسی انسانی غیرنظامی بوده است.

و تسهیل ورود کمک‌های بشردوستانه است، جایی بولس افزود که اعضای کمیته در این نشست دربارۀ دستنهایی به آتش‌بسی انسانی و نیز برقراری آتش‌بسی پایدار در سودان گفتگو کردند و تأکید نمود که سرگرم کمک‌های بشردوستانه به سراسر سودان این کشورها همچنان به بیانیه مادرشده در ۱۲ سپتامبر شده. وضعیت آن است که آمریکا از آغاز مبارک کامل این نشست هم‌زمان بود با انتشار خبرهایی از مذاکرات پرونده جنگ سودان را در دست داشته و به هیچ غیرمستقیم میان ارتش و نیروهای واکنش سریع در کشوری اجازه مداخله نداده است، چراکه خود پشت واشنگتن با میانجی‌گری آمریکا. هرچند دولت سودان پرهیز شعلهور شدن این جنگ بوده و همچنان با وقوع چنین مذاکراتی را تکذیب کرد، اما گزارش‌های طوایف‌کردن آن، اهداف سیاسی‌اش را دنبال می‌کند. موفق حاکم از آن است که وزیر خارجه سودان نیز در منشأ اصلی این جنگ «توافق چارچوبی» بود که در راس هیئتی متشکل از نظامیان در واشنگتن حضور دارد. وزارت خارجه سودان در بیانیه‌ای که پس از تأیید سفر رانده می‌شد و ارتش قدرت خود را از دست می‌داد، وزیر به آمریکا منتشر کرد، اعلام نمود که این سفر آمریکا که همواره سلطه‌اش را از طریق فرماندهان در چارچوب تلاش‌های مستمر برای توسعه روابط میان نظامی حفظ کرده، با شعلهور شدن خیزش مردمی، خارطوم و واشنگتن و ادامه گفتگو درباره مسائل شاهد تلاش نیروهای وابسته به اربابا، به‌ویژه مشترک، از جمله حمایت از ملحق در سودان انجام بریتانیا، برای انتقال قدرت به غیرنظامیان نزدیک به می‌شود. این بیانیه در واقع اعترافی ضمنی است بر غرب اروپا بود. این کشمکش تا رسیدن به توافق وجود مذاکراتی در واشنگتن، هرچند شکل و ماهیت آن

آتش‌بسی که «ترامپ» در آغاز اکتبر ۲۰۱۵ بر غزه تحمیل کرد، در واقع به مثابه ریسمان نجاتی برای «نتانیاها» بود؛ سیاستمداری که لاجت و سرسختی‌اش خشم ملت‌های سراسر جهان، به‌ویژه در اروپا و آمریکا را برانگیخته بود و موجی از دگرگونی در افکار عمومی نسبت به رژیم اشغالگر پدید آورد. این آتش‌بس، مانعی در برابر جاهل‌های آن رژیم نیز بود که تا مرز اقداماتی برخلاف منافع خودش پیش رفته بود. جنگ ویرانگر اخیر نه تنها تصویر رژیم مبهوبیستی را در جهان لکه‌دار کرد، بلکه سبب شد افکار عمومی جهانی بر ضد آن و حامیانش بشورند تا جایی که بسیاری از رهبران حامی، از بیم شکایت به دادگاه جنایی بین‌المللی به جرم «نسل‌کشی»، دچار هراس و احتیاط شدند.

این توافق همچنین فرصتی بود تا رژیم‌های وابسته به آمریکا در منطقه خود را «مثنی غزه از مرگ و ویرانی» جلوه دهند؛ چه‌رازی این فریبده برای توجیه دخالت در اجرائی‌ها و واشنگتن؛ به این ترتیب، آمریکا توانست شروط خود را برای خلع سلاح مقاومت تحمیل کند و روند بازسازی را که به ظاهر عنوان «کمک و امدادریسانی» داشت، به پروژه‌های اقتصادی و سرمایه‌مهور به سود خود تبدیل نماید. چنین طرح‌هایی در حقیقت پیشوایی برای معاملات نفوذ سیاسی و اقتصادی است تا منافع آمریکا در مراحل بعدی تضمین شود.

ترامپ در پی آن است که با این آتش‌بسی، راهی برای نفوذ مستقیم در غزه و سلطه بر آینده آن یابد. آمریکا نیز برای متحدان عرب خود مسیر گریز از مسئولیت را باز گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که برخی از حاضران در مذاکرات آتش‌بس ادعا کردند فریب‌خورده‌اند و از جزئیات واقعی طرح بی‌اطلاع بوده‌اند و آنچه به آنان ارائه شده با توافق نهایه تفاوت داشته است؛ اما این ادعاها صرفاً تلاش‌های است برای آنکه خود را «فریب‌خورده» نشان دهند، نه «هردست»؛ چراکه رژیم مبهوبیستی هیچ‌گاه به تعهدات خود پایبند نبوده و همواره با کوچک‌ترین بیانیه، به‌همکار در نقض کرده است.

اگر به عملکرد رسانه‌های وابسته به این حکومت‌ها بنگریم، درمی‌یابیم که در دشمنی با فلسطین و مردم آن، حتی از خود آمریکا نیز فرانسز رفته‌اند. برخی از رسانه‌گران اماراتی آشکارا ابزار ناراحتی کردند از اینکه توافقی آتش‌بسی، «حماس» را در مرحله گذار باقی گذاشته و آن را از صحنه سیاسی حذف نکرده است؛ و وقتی چنین چهره‌هایی از خود ترامپ هم تندروتر ظاهر می‌شوند، چگونه می‌توان باور کرد که در جریان تفاوت میان متن توافق و نسخه اجرائی آن «بی‌اطلاع» بوده‌اند؟

اما دربارۀ «جنبش حماس»، این جنبش صرفاً با عنوان کلی آتش‌بس موافقت کرد و بررسی جزئیات را به گفت‌وگوهای بعدی سپرد. با این حال، ترامپ بر پایه همین موافقت اولیه، ابتکار عمل را ریبود و از موضع قدرت و برتری نظامی، مسیر را به سود خود پیش برد. هدف او قرار از موج فزاینده اعتراضات جهانی است که منسطف فلسطین را بار دیگر به کانون سیاست بین‌المللی بازگرداند؛ موجهی که هر روز گسترده‌تر می‌شود و سیاست‌های او و کل غرب را در برابر افکار عمومی جهانی به چالش می‌کشد. دولت یهود همچنان، گرچه به‌زور و ادا به پذیرش توافق شده، در پی تفسیر آن به‌گونه‌ای است که از زیر بار آن شانه خالی کند و اهدافی را دنبال کند که در جنگش علیه غزه محقق نشد. این دولت در نقش‌های مکرر توافقی پیش می‌رود و با این بیانیه «حماس» به تعهدات عمل نکرده، همان‌گویی گذشته‌اش را نسبت به لبنان تکرار می‌کند. حتی تلاش دارد مسئله الحاق کرانه باختری را به‌عنوان موضوعی «قانونی» جلوه دهد و با رای کنتس برایش مشروعیت برترشد، امری که ترامپ را وادار

صندوق بین‌المللی پول و بحران اقتصادی یمن

در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵، «احمد المعیقی»، رئیس بانک مرکزی عدن، در واشنگتن با «اشتر بیرز ریوز»، رئیس مأموریت صندوق بین‌المللی پول به یمن و نماینده صندوق، «محمد معیط»، دیدار کرد. در این ملاقات که همچنین «هانی وهاب»، معاون وزیر دارایی و «عبدالقادر امین»، معاون وزارت دارایی یمن حضور داشتند، موضوعات مختلف اقتصادی یمن مورد بحث قرار گرفت. پس از این دیدار، «واعد باذیب»، وزیر برنامه‌ریزی و همکاری‌های بین‌المللی یمن، نیز جلساتی با «ریکاردر بولیتی»، معاون رئیس مؤسسه مالی بین‌المللی برای منطقه خاورمیانه، برگزار کرد. این دیدارها به دنبال جلسات مقدماتی در عمان در تاریخ‌های ۸ و ۹ اکتبر ۲۰۱۵ با حضور رئیس وزارت عدن، «سالم صالح بن برک» و «احمد المعیقی»، برگزار شد و در آن‌ها مشاوره‌هایی درباره «ساده چهارم» میان یمن و صندوق بین‌المللی پول صورت گرفت و بیانیه‌های نهایه منتشر شد.

در دیدار اول، هدف بررسی راهکارهای ادامه برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول در یمن بود که از سال ۲۰۱۴ متوقف‌شده بود. این نشست به موضوعاتی چون حمایت از ثبات قیمت ارز ملی، سطح ذخایر ارزی و بهبود وضعیت مالی یمن پرداخته و بر لزوم اجرای اصلاحات مالی و پولی برای تضمین جریان کمک‌های مالی خارجی تأکید شد. «اشتر بیرز ریوز»، این اقدامات را «تعهد جدی به اصلاحات مالی و اداری»، دانست. اما دیدار دوم که به‌عنوان خطرناک‌ترین جلسه مطرح شد، به بررسی تسهیل ورود مؤسسه مالی بین‌المللی به یمن از طریق بخش خصوصی خارجی پرداخت. این مؤسسه در حال حاضر با سرمایه‌های به میزان ۱۵٫۹ میلیون دلار در بخش‌های کشاورزی، بهداشت و همچنین بخش‌های دیگری چون ماهی‌گیری، ارتباطات و نفت فعالیت می‌کند.

در ادامه، بیانیه تأیید کرد که آیا مردم اکنون درک کرده‌اند که بحران اقتصادی شدید یمن از آغاز سال ۲۰۱۵ تا ۳۱ ژوئیه همان سال ارتباط مستقیمی با برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول دارد؟ و آیا این نکته روشن شده است که اگر به صندوق مراجعه نکرده و از آن تقاضا نکنید، اقتصاد شما ویران خواهد شد؟ زیرا شما خود را به برنامه‌های آن و به‌طور کلی به اقتصاد سرمایه‌داری وابسته کرده‌اید؟

بیانیه همچنین به سه مرحله بحرانی در تاریخ اقتصاد یمن اشاره کرد که در آن‌ها صندوق بین‌المللی پول توانست اقتصاد یمن را به اقتصاد سرمایه‌داری وابسته کند: سال ۱۹۷۵ که صندوق یک دفتر مخفی در بانک مرکزی صنعا راه‌اندازی کرد، سال ۱۹۹۵ که اصلاحات مالی و اداری تحمیل شد و سال ۲۰۱۱ که صندوق وارد یمن شد و برنامه‌های جدید را اجرائی کرد.

بیانیه در نهایت تأکید کرد که تنها در سایه حکومتی اسلامی و در چارچوب خلافت راشدۀ دوم بر اساس منبج نبوت است که مردم یمن از شوخی اقتصادی و اجتماعی برخوردار خواهند شد. این تنها راه حل اساسی است و حزب‌التحریر همچنان در تلاش است تا این پیام را به مردم برساند و در راستای تحقق آن به تلاش‌های خود ادامه خواهد داد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: «هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَنُورَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ».

بخش یانوان در دفتر رسانه‌ای مرکزی حزب‌التحریر، کارزار جهانی خود را با عنوان «جنگ سودان: داستان استعماری، حیانت و ناکامی» به پایان رساند

در طول دو ماه گذشته، این بخش کارزاری جهانی را به هدف افزایش آگاهی بین‌المللی و جلب‌توجه به بحران انسانی فاجعه‌باری که از دل درگیری در سودان برخاسته است، راه‌اندازی کرد؛ بحرانی که بیش از سه سال و نیم ادامه یافته است. این درگیری بجز میان نیروهای مسلح سودان به رهبری ژنرال عبدالفتاح البرهان و نیروهای واکنش سریع به فرماندهی محمد حمدان دقلو (حمیدتی)، به‌عنوان «جنگ فراموش‌شده» شناخته می‌شود، زیرا آن‌گونه که شایسته است، در رسانه‌ها و مناهل جهانی بازتاب نیافته است.

این کارزار شامل فعالیت گسترده در شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی به زبان‌های گوناگون بود و انتشار دهها مقاله، مصداق، پست و ویسوت و چندین ویدیو را در بر گرفت. از جمله: «چگونه اسلام وارد سودان شد»

https://www.dailymotion.com/video/kWUblnOguvEYDDJl0

«جنگ سودان: طلا، سلاح و ژئوپولیتیک»

https://www.dailymotion.com/video/keQqlLrJnZsDzAza

«تنها خلافت است که شکوه سودان را بازیگرگرداند»

https://www.dailymotion.com/video/KrMnAXJZrmeOHMDUvHr

همچنین این کارزار شامل نشست‌های گفتگو به دو زبان عربی و انگلیسی بود که در آن‌ها به تبیین علل ریشه‌ای درگیری جاری، پیامدهای انسانی و سیاسی آن و این حقیقت پرداخته شد که نظام طاقت، نه الگوی دموکراسی غربی، تنها راه حل واقعی برای بحران‌های سودان است.

تمامی مواد و محتوای این کارزار از طریق پیوند زیر قابل مشاهده است:

https://www.hizb-ut-tahrir.info/ar/index.php/hizb-campaigns

فیس‌بوک: QanitalaHTI

اینستاگرام: Women\_sharia

ایکس (توییتر سابق): @ALQANITAT

SDN\_Camp\_Trailer۰۵۰۸۴۰۶۵۰Ar.mpe/۰۸/۲۰۱۵/https://htmedia.ftc.com/info/CMO\_WS

# از نیل تا سد: نبرد یک امت، نه نبرد یک رژیم

استاد محمود اللیثی



عمره آفریقا شاهد تشدید تنش‌ها و اتهامات متقابل میان مصر و اتیوپی است. این تنش‌ها به‌ویژه پس از وقوع سیلابهای گسترده در سودان و بخش‌هایی از مصر که به اتهام مصر از سوی اتیوپی به‌طور یکجانبه آب‌های سد النیژه تخلیه به هدر رفته، شدت گرفت. اتیوپی سریعاً این اتهامات را رد کرده و آن‌ها را «ادعاهای مغرب» خوانده است، تأکید کرده که دلیل اصلی سیلاب‌ها بارش‌های موسمی سنگین در فلات اتیوپی بوده است. اگرچه این تنش‌ها در ظاهر یک اختلاف فنی یا نزاع بر سر مدیریت منابع آبی به نظر می‌رسد، اما واقعیت آن به مراتب پیچیده‌تر از این است. این موضوع به‌طور مستقیم با درگیری‌های بین‌المللی در آفریقا و تسلط آمریکا بر تصمیم‌گیری‌ها در این منطقه حساس از کشورهای اسلامی مرتبط است و همچنین به ضعف حاکمان مصر و سودان در قبال مسئولیت‌های خود نسبت به ملت‌هایشان و دوری از احکام اسلام در اداره امور کشورشان مرتبط است.

سد النیژه تنها یک پروژه برای تولید برق یا یک خدمت آبی عظیم نیست، بلکه یک سلاح استراتژیک در دست کسی است که آن را کنترل می‌کند. با ظرفیت عظیم ۷۶ میلیارد مترمکعب، این سد می‌تواند بر روی رود نیل، شاه‌رگ حیات مصر و سودان، تسلط پیدا کند. این مسئله باعث شده است که کارشناسان تأکید کنند کسی که قدرت تصمیم‌گیری در مورد راه‌اندازی و کنترل سد را داشته باشد، می‌تواند مصر و سودان را در معرض خشکسالی یا سیلاب قرار دهد. سد النیژه از ابتدای تحت نظارت آمریکا ساخته‌شده است. آمریکا بود که در مراحل مختلف مذاکرات حضور داشت و از صدور هرگونه تصمیم بین‌المللی الزام‌آور برای اتیوپی جلوگیری کرد. علاوه بر این، آفریقا برای سیلاب‌ها و دیپلماتیک لازم را برای این پروژه فراهم کرده تا سد به مرحله نهایی برسد، بدون اینکه مصر یا سودان بتوانند آن را متوقف کنند یا شروط خود را تعیین نمایند. درحالی‌که هر دو کشور به‌طور مستقیم تحت تأثیر این سد قرار دارند، بنابراین، سد النیژه به‌عنوان یک برگ فشار در دست آمریکا است که آن را برای کنترل رفتار مصر در مصر، سودان و اتیوپی پیش می‌برد. پیش از آنکه به رژیم‌ها توجه کند و همچنین برای تسلط بر یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های جهان.

کسانی که مواضع رسمی این سه کشور را دنبال می‌کنند به‌وضوح درک می‌کنند که آن‌ها نه بر اساس منافع ملت‌هایشان بلکه بر اساس سیاست‌های ترس‌ناک و متوسط قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا، حرکت می‌کنند. رژیم اتیوپی که در برخی مراحل ممکن است نشان‌دهنده نوعی مقاومت در برابر فشارها باشد، در نهایت طبق دستورالعمل‌های واشنگتن پیش می‌رود و از آن برای تأمین منافع منطقه‌ای آمریکا استفاده می‌شود. از جمله برای محاصره مصر و تضعیف استراتژیک آن از طریق کنترل منبع آب حیاتی‌اش.

با وجود آنکه نظام مصر در محته رسانه‌ای ناخشنودی نشان می‌دهد و بیانیه‌های تند صادر می‌کند، اما در عمل هیچ گامی جدی برداشته؛ نه در مرحله ساخت سد، نه در مراحل آب‌گیری پدیداری و نه حتی پس از بهره‌برداری کامل آن. آفرزون بر این، با موافقتش بر «اعان اصول» در مارس ۲۰۱۵ در خارطوم، عملاً برای اتیوپی مشروعیت ساخت سد را به رسمیت شناخت و پوشش حقوقی و بین‌المللی لازم را برای آن فراهم آورد؛ کاری که طرف اتیوپی را در موضع قدرت قرار داد. مصر سپس بر مذاکرات بی‌حاصل و میانجی‌گری‌های بین‌المللی تکیه کرد؛ همان میانجی‌گری‌هایی که توسط همان قدرت‌هایی حمایت می‌شوند که از خود سبب نشانی است. استمرار آن را تأمین می‌کنند. این موقف ناشی از ضعف امکانات نیست بلکه معلول وابستگی سیاسی نامعتبر به آمریکا است. نظام سودان نیز به میدان کشمکش‌های بین‌المللی نبال شده و دیگر تصمیمی خارج از دستش در اختیار ندارد؛ بنابراین میان گام‌ها حمایت از اتیوپی و گام ابراز ناراضی از آن نوسان می‌کند. بی‌آنکه موضعی اصولی یا اراده‌ای سیاسی مستقل داشته باشد.

در فتنه‌های گذشته سودان شاهد سیلاب‌های گسترده‌ای بود که هزاران خانواده را آواره ساخت، بخش‌هایی از زمین‌های کشاورزی و زیرساخت‌ها را ویران کرد و در مصر نیز برخی مواضع بدنیال افزایش ناگهانی سطح نیل آفریقا شاهد تشدید تنش‌ها و اتهامات متقابل میان مصر و اتیوپی است. این تنش‌ها به‌ویژه پس از وقوع سیلابهای گسترده در سودان و بخش‌هایی از مصر که به اتهام مصر از سوی اتیوپی به‌طور یکجانبه آب‌های سد النیژه تخلیه به هدر رفته، شدت گرفت. اتیوپی سریعاً این اتهامات را رد کرده و آن‌ها را «ادعاهای مغرب» خوانده است، تأکید کرده که دلیل اصلی سیلاب‌ها بارش‌های موسمی سنگین در فلات اتیوپی بوده است. اگرچه این تنش‌ها در ظاهر یک اختلاف فنی یا نزاع بر سر مدیریت منابع آبی به نظر می‌رسد، اما واقعیت آن به مراتب پیچیده‌تر از این است. این موضوع به‌طور مستقیم با درگیری‌های بین‌المللی در آفریقا و تسلط آمریکا بر تصمیم‌گیری‌ها در این منطقه حساس از کشورهای اسلامی مرتبط است و همچنین به ضعف حاکمان مصر و سودان در قبال مسئولیت‌های خود نسبت به ملت‌هایشان و دوری از احکام اسلام در اداره امور کشورشان مرتبط است.

سد النیژه تنها یک پروژه برای تولید برق یا یک خدمت آبی عظیم نیست، بلکه یک سلاح استراتژیک در دست کسی است که آن را کنترل می‌کند. با ظرفیت عظیم ۷۶ میلیارد مترمکعب، این سد می‌تواند بر روی رود نیل، شاه‌رگ حیات مصر و سودان، تسلط پیدا کند. این مسئله باعث شده است که کارشناسان تأکید کنند کسی که قدرت تصمیم‌گیری در مورد راه‌اندازی و کنترل سد را داشته باشد، می‌تواند مصر و سودان را در معرض خشکسالی یا سیلاب قرار دهد. سد النیژه از ابتدای تحت نظارت آمریکا ساخته‌شده است. آمریکا بود که در مراحل مختلف مذاکرات حضور داشت و از صدور هرگونه تصمیم بین‌المللی الزام‌آور برای اتیوپی جلوگیری کرد. علاوه بر این، آفریقا برای سیلاب‌ها و دیپلماتیک لازم را برای این پروژه فراهم کرده تا سد به مرحله نهایی برسد، بدون اینکه مصر یا سودان بتوانند آن را متوقف کنند یا شروط خود را تعیین نمایند. درحالی‌که هر دو کشور به‌طور مستقیم تحت تأثیر این سد قرار دارند، بنابراین، سد النیژه به‌عنوان یک برگ فشار در دست آمریکا است که آن را برای کنترل رفتار مصر در مصر، سودان و اتیوپی پیش می‌برد. پیش از آنکه به رژیم‌ها توجه کند و همچنین برای تسلط بر یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های جهان.

کسانی که مواضع رسمی این سه کشور را دنبال می‌کنند به‌وضوح درک می‌کنند که آن‌ها نه بر اساس منافع ملت‌هایشان بلکه بر اساس سیاست‌های ترس‌ناک و متوسط قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه آمریکا، حرکت می‌کنند. رژیم اتیوپی که در برخی مراحل ممکن است نشان‌دهنده نوعی مقاومت در برابر فشارها باشد، در نهایت طبق دستورالعمل‌های واشنگتن پیش می‌رود و از آن برای تأمین منافع منطقه‌ای آمریکا استفاده می‌شود. از جمله برای محاصره مصر و تضعیف استراتژیک آن از طریق کنترل منبع آب حیاتی‌اش.

# سوریه جدید و جنگ علیه اسلام سیاسی

استاد احمد القصی

امروز برای هر ناظر آگاه به سیاست‌های بین‌المللی و دولت‌های وابسته به آن در منطقه که هرگونه و منطقی در شرق مدیترانه روشن است که آنچه فعالیت یا حتی حضور این جماعت را ممنوع کرده‌اند، در سوریه می‌گذرد، بخشی از طرح فراگیر آمریکا از جمله دولت اردن که زمانی پناهگاه تاریخی اخوان در منطقه است. این طرح که پیش‌تر با موافقت و پیشبرد و تبلیغ این سیاست را رویه‌رو بود، از زمان آغاز عملیات «طوفان الاقصی» «احمد موفق زیدان» چهره رسانه‌ای نزدیک به پیامدهای آن، به‌تدریج در مسیر تکمیل قرار گرفته جولانی بر عهده گرفته است؛ همان کسی که پیش‌تر است. آمریکا از آن زمان تاکنون، با ویران کردن غزه نیز بازداشت‌های گسترده در فلسطین و تلاش برای نابودی توان نظامی حماس، ضربه زدن حزب‌انحزب‌ها را توجیه کرد، بازداشت‌هایی که بسیاری به نیروهای وابسته به ایران در لبنان و سوریه و نیز از آنان هنوز در زندان‌های ادلب به سر می‌برند. حملات همدغد به برنامه هسته‌ای ایران، کوشیده پس از اقدامات اخیر در سوریه، آخرین شوک به است صحنه منطقه را بازچینی کند. پیش‌تر نیز با مردم این کشور در همین راستا بود؛ هنگامی‌که درگیر ساختن روسیه در جنگ اوکراین، زمینه اجرای وزیر آموزش و پرورش تصمیم گرفت تعداد کلاس‌های آزادانه‌تر سیاست‌هایش را فراهم کرده بود. اکنون فرهنگ اسلامی را از چهار جلسه هفتگی که هم این طرح با شتابی محسوس پیش می‌رود و به‌وضوح اکنون برگزار می‌شود، به دو جلسه کاهش دهد و این می‌تواند دید که «سوریه» مطیع‌ترین دولت نسبت کاهش به نفع دروس موسیقی و هنر بود؛ در همین



به نقشه آمریکا در منطقه است. درحالی‌که در زمینه، پس از انتشار ویدیوهایی از دانش‌آموزان غزه، حماس هنوز در حال مذاکره است؛ در لبنان، مدارس که شعارهای اسلامی می‌خواندند؛ از جمله حزب وابسته به ایران همچنان در حال مانور شعار «رهبر تا ابد، سرور ما محمد»؛ وزارت آموزش سیاسی است و در خود ایران نیز حکومت به دنبال و پرورش دستورالعملی صادر کرد که بر اساس آن معارضه‌ها است که تا حد ممکن نفوذ خود را حفظ تکرار هرگونه شعار یا سرود در مدارس دولتی و کند؛ در سوریه اما همه‌چیز به‌طور نرم و هماهنگ خصوصی در تمامی مراحل تصویبی ممنوع شد تا با سیاست‌های واشنگتن پیش می‌رود. نشانه‌های زمانی که سرود ملی جمهوری عربی سوریه و شعار این هم‌سویی روزبه‌روز بیشتر آشکار می‌شود؛ از ریسیم وزارت مطابق اصول قانون اساسی و قانونی حضور رئیس دولت سوریه در نشست سازمان ملل پذیرفته شود؛ متجدد و دیدارهای حشیه‌ای آن تا دیدار مجدد او با حسین قذافی به‌وضوح نشان می‌دهند که نظام رئیس‌جمهور آمریکا و گفت‌وگویی که با «دیوید» دمشق نسبتاً به حکمرانی با قانون وضعی و کفر رنیز «فرانسوا» فرامنده پیشین ستاد مرکزی ارتش آمریکا متوجه کردن هرگونه نماد اسلامی در دولت، مدارس، دانشگاه‌ها و حتی نیروهای نظامی و امنیتی سوریه پیش از این نیز نشان‌دهنده‌ای از توافق دو طرف بر سر دنبال می‌کند. حتی فعالیت‌های سیاسی که بر ریشه‌کن کردن «اسلام سیاسی» در سوریه دیده می‌شود؛ از ریسیم قییده اسلامی و اصول نظام اسلامی باشد، به می‌شد. در اوت گذشته، نماینده ویژه آمریکا در شدت محدود شده است.

امروز سوریه «توماس باراک» گفت: «باید سازوکاری وزارت دفاع سوریه نیز اخیراً در اواخر ماه اوت یک یافت که وحدت، فرهنگ و زبان همه اقشار جامعه دستور جدید صادر کرد که بر اساس آن استفاده را حفظ کند، بی‌آنکه در معرض تهدید اسلام سیاسی و نصب هرگونه شعار یا پرچم غیررسمی روی لباس قرار گیرد». این سخنان هم‌صدا شد با اظهارات نظامیان ممنوع شد؛ این شامل نمادهایی با معانی «احمد الشرح» که در گفت‌وگویی رسانه‌ای گسترده مذهبی نیز می‌شود و فقط باید از شعار رسمی وزارت مدعی شد «مبنای اسلامی شگست‌خورده است» و دفاع استفاده شود. این اقدام پس از آن انجام شد افزود: «ما می‌توانیم نظام‌هایی آماده را از تاریخ که بسیاری از نظامیان عبارت «لا اله الا الله و محمد یبواریم و در سوریه پیاده کنیم». روشن است که رسول الله را بر روی لباس‌های نظامی خود نصب منظور او رد صریح حاکمیت شریعت اسلامی است، زیرا کرده بودند.

کسی از او نتوانسته بود نظام‌های رومی یا یونانی یا سالی که پس از این همه به‌وجود می‌آید این است ایرانی را بازگرداند؛ بلکه پرسش اصلی این است: آیا که آیا مردم سوریه به سکولاریسم تن خواهند داد و «سوریه جدید» شریعت اسلام را مبنای نظام خود پروژه اسلامی و بازگشت به زندگی اسلامی را فراموش قرار خواهند داد یا خیر؟

پیش‌تر نیز در سخنرانی‌اش هنگام معرفی آنچه جواب این است که زمان زیادی نخواهد گذشت تا «هویت بصری سوریه» تأمید می‌شود. از «هویت» مردم سوریه توظفه‌ای که برای تحمیل سکولاریسم تمدنی» سخن گفت که ریشه‌اش به هزاران سال بر آن‌ها طراحی شده است از کشف آنان پیش بازمی‌گردد؛ سختی که به‌روشنی نشان به‌زودی با مشاهده حمله به کوچک‌ترین مظاهر می‌دهد؛ هویت مردم سوریه را جدا از هویت امت اسلام در آموزش فرزندان، دچار شوک خواهند اسلامی می‌داند، گویی تاریخ و تمدن این سرزمین شد. این وضعیت فعلی تنها یک وضعیت استثنایی تنها به دوران پیش از اسلام تعلق دارد. این رویکرد است و یک مرحله گذار است، پس از آن، نخبگان آگاه، تفاوت چندانی با تبلیغات ناسیونالیستی حزب بویژه نخبگانی که به اسلام پایبندند و از عقیده بعث و خاندان اسد ندارد؛ با این تفاوت که اکنون اسلامی خود حمایت می‌کنند، درمی‌یابند که پروژه «جولانی» سوریه را از دایره عربی به دایره‌ای جاری در سوریه یک پروژه سکولار است و بخشی از کوچک‌تر و ساختگی به نام «هویت ملی» فروکاسته طرح آمریکا برای منطقه است. سبب مبارزه و تلاش است.

در همین چارچوب، تصمیم حکومت سوریه برای و چه کسی بهتر از اهل شام که به‌عنوان مرکز ایمان جلوگیری از فعالیت جماعت اخوان المسلمین نیز قابل شناخته می‌شوند، می‌تواند پیشگام این پروژه فهم است؛ اقدامی هماهنگ با سیاست‌های آمریکا باشد؟



